

روزنامه صدای اصفهان و مجلس پنجم

محمد جواد عبدالهی

مقدمه

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، رضاخان به طور پیوسته‌ای بر قدرت خود افزود. او در این تاریخ با لقب سردار سپه کابینه شد و در خرداد ماه ۱۳۰۰ با برکناری سید ضیاء وزارت جنگ را بر عهده گرفت. از این طریق تسلط خود را بر ارتش تثبیت و ژاندارمری را از وزارت داخله به وزارت جنگ انتقال داد و با اخراج افسران سوئدی و جایگزینی آن‌ها به وسیله نیروهای قزاق، ژاندارمری را تحت کنترل خود درآورد. با استعفای مشیرالدوله (حسن پیرنیا) سرانجام در مهرماه ۱۳۰۲ نخست‌وزیری را نیز به دست گرفت.^۱

رضاخان در روند صعودی خود در دستیابی به قدرت به اهمیت مجلس واقف بود. با پیروزی جنبش مشروطه در ایران و به تبع آن اهمیت یافتن نقش مجلس در جریانات سیاسی، افراد و گروه‌های مختلفی سعی در دستیابی به قدرت از طریق این نهاد مردمی را داشتند.^۲ رضاخان نیز در شمار همین افراد قرار می‌گرفت. او هر چند قدرت خود را در اصل بر ارتش استوار ساخته بود، اما روند حوادث نشان می‌دهد که او نیز کوشش می‌نمود از راه قانون اهداف سیاسی خود را پیگیری نماید.

با اتمام عمر مجلس چهارم او به مقام رئیس الوزرای رسیده بود. اکنون در پی تغییر سلطنت بود و در این میان مجلس پنجم برای او اهمیت ویژه‌ای داشت. بنابراین او از طریق نظامیان و عمال حکومتی به طور عمده‌ی به اعمال نفوذ در انتخابات به منظور برکشیدن نامزدهای مورد نظر خود از حوزه‌های انتخابی دست زد.^۳ و سرانجام «حزب تجدد» با کمک رضاخان توانست اکثریت را در مجلس پنجم کسب کند. این مجلس مقدمات صعود رضاشاه را به سلطنت فراهم نمود.^۴ در واقع با چنین اقداماتی بود که در دوره پهلوی مجلس عملاً به تعطیلی کشانده شد. «تعطیل بالفعل مشروطیت ضربه مهلکی بود که حکومت پهلوی به ایران زد، سد راه رشد اجتماعی و تکامل مشروطیت و حکومت ملی گردید. گناهی که بخشودنی نیست.»^۵

حوزه انتخابی اصفهان نیز از جمله همین حوزه‌ها بود که موضوع بحث اصلی این مقاله را با محوریت سندی از آن که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد به خود اختصاص می‌دهد.

معرفی سند

محمدعلی مکرم متصدی کتابخانه و وکیل دعاوی شهرداری اصفهان بوده است.^۶ روزنامه صدای اصفهان به سال هزار و سیصد و سی و نه هجری قمری (جدی ۱۳۹۹) به مدیریت و سردبیری وی در شهر اصفهان تأسیس و انتشار یافته است. شیوه انتشار آن غیر مرتب گاهی هفتگی، زمانی پانزده روز یک بار و مدتی هم هر چند ماه یک بار بوده است. این روزنامه به خوانندگان خود، روزنامه‌های اخلاقی، ادبی، اخباری و فکاهی معرفی شده ولی قسمت عمده مندرجات آن حاوی مبارزه‌هایی است که مدیر روزنامه علیه خرافات و اوهام عامه نموده است که به صورت نظم و نثر در روزنامه به چاپ رسیده است.^۷ باید در نظر داشت که مطبوعات در این زمان با توجه به نبود رادیو و دیگر وسایل ارتباط جمعی، یگانه قدرت تأثیرگذار بر افکار عمومی به حساب می‌آمدند.^۸ در این میان مکرم به همراهی جمعی دیگر از مردم اصفهان به هنگام انتخابات مجلس پنجم به فعالیت انتخاباتی می‌پردازند. در این حوزه افرادی چون دکتر سید احمدخان (احتشام الحکما)، حاج میرزا یحیی دولت آبادی، مهدی فاطمی (عمادالسلطنه) و حبیب الله امین تجار نامزدهای نمایندگی مجلس بودند. امین التجار نماینده بازاری‌ها بود و مکرم به همراهی جمعی دیگر به حمایت از او برخاست. این حمایت او و همراهانش با مخالفت محمود انصاری فرماندار اصفهان و محمود آیرم امیر لشکر جنوب مواجه می‌شود. آن دو می‌کوشند تا از طریق تهدید، مکرم و همراهانش را از این امر بازدارند. هنگامی که تهدید مؤثر واقع نمی‌شود، انصاری عده‌ای از آن‌ها را تبعید و عده‌ای دیگر را به شلاق می‌بندد. مکرم نیز مورد سوء قصد قرار می‌گیرد اما چون جان سالم به در می‌برد او را نیز برای مدتی به قریه «جز برخوار» در حوالی اصفهان تبعید می‌کنند و تنها پس از گرفتن تعهدی مبنی بر این که دیگر در امر انتخابات مداخله نکنند، وی را آزاد می‌کنند.^۹ به این ترتیب به نظر می‌رسد که آن‌ها افراد مورد نظر خود را راهی مجلس کنند.^{۱۰}

اصل سند

مدیر روزنامه صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) تاریخ ۱۳۲۰/۷/۵

توسط آقای دشتی نماینده آراخواه مجلس شورای ملی

در ذیحجه ۱۳۴۱ قمری که محمود انصاری فرماندار اصفهان و محمود آیرم امیر لشکر جنوب بود گفتگوی انتخابات بود، عده زیادی بودیم که به آقای حبیب الله امین التجار اصفهانی علاقه داشتیم و تمام سعی ما این بود که آقای امین به نمایندگی اصفهان انتخاب شود آقای محمود انصاری مرا تهدید کرد که در انتخاب امین حرف مزین بنده دستور او را چون برخلاف قانون بود ترمرد کردم در این ضمن گفتگو تلگرافخانه پیش آمد چون دستور از مرکز رسید آقای اعتمادالتجار به کرمان تبعید کردند جمعی کثیر را به

سربازخانه بردند ریش و سیبل آن‌ها را تراشیدند و همه را شلاق زدند سهم بنده هم این بود که غیرمستقیم مقتول شوم در شب یازدهم ذی‌حجه پشت منزلم که محله مسجد جامع بود حسب‌الدستور اکید گلوله هفت تیر به پهلویم زدند بنده را در حال بیهوشی و در خون غلطیده به بیمارستان مرسلین بردند. مدتری تحت‌معالجه بودم و در همان ایام عشقی ناکام مقتول شد روزیکه با حال ضعف از بیمارستان خارج شدم محمود انصاری دستور داد که به منزل خود بروم و بنده را به منزل رئیس معارف فرستادند و مدت دو ماه در آنجا بودم اهل و عیال من و طفل کوچکم اجازه ملاقات برنداشته در آنوقت حکم شد به قریه جز برخوردار بروم مدتی هم در آنجا بودم تا بالاخره به من تکلیف شد که دیگر در امر انتخابات قلمفرسایی مکن والا همین آش است و همین کاسه بنده که طعم غیرمطبوع گلوله را چشیده بودم تا چند روز قبل در منزل و خیابان و بازار محبوس متحرک بودم اینکه استدعا دارم عریضه بنده توسط آن وجود عدالت‌خواه در مجلس شورای ملی قرائت شود و احقاق حق به عمل آید استدعا دارم حق مظلومرا همه کسی باشد رعایت نمایند انتظار دادخواهی دارم.

علی مکرم مدیر صدای اصفهان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آبراهامیان، یراوند؛ ایران بین دو انقلاب؛ ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸-۱۴۹.
- ۲- از جمله‌ی می توان به تلاش افراد مرتجعی چون وثوق الدوله و سپهدار به جهت در اختیار گرفتن مجلس به منظور تصویب قرارداد ۱۹۱۹ توجه کرد. غنی، سیروس؛ ایران بر آمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها؛ ترجمه حسن کامشاد، انتشارات نیلوفر، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۵۸-۱۶۷.
- ۳- برای یافتن اسنادی در این ارتباط می توان به این کتاب مراجعه کرد. انتخابات مجلس پنجم، به روایت اسناد، دو جلد، مرکز برای اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تابستان ۱۳۸۴.
- ۴- ایران بین دو انقلاب، ص ۱۵۱.
- ۵- آدمیت، فریدون؛ آشفتنگی در فکر تاریخی؛ (تهران بی‌نا، ۱۳۶۰)، ص ۱۸.
- ۶- اسماعیلی، علیرضا؛ اسنادی از مطبوعات ایران و دولت کودتا (۱۳۳۴-۱۳۳۲ هـ.ش)، دو جلد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول تابستان ۱۳۸۳، ج اول، سند شماره ۳۵، ص ۵۸-۵۹.
- ۷- صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجلات ایران؛- اصفهان: کمال، ۱۳۶۴، ص ۱۱۷-۱۱۹.
- ۸- قائم، محمد؛ میرزا عشقی؛ - تهران: طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸-۲۳۹.
- ۹- کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، دوره ۱۲، کارتن ۵۸، جزوه‌دان ۲۵، پوشه ۷۳. البته باید توجه داشت اقدامات آقای مکرم را باید به حساب چیزی همچون رقابت‌های محلی گذاشت و نه آزادی‌خواهی و مخالفت با استبداد رضاخانی. او بعدها در مکاتباتی که با دولت کودتا داشت خود را هواخواه سلطنت و مخالف مصدق و توده‌ای‌ها معرفی کرد. او حتی موفق شد دولت تا مقرری ماهیانه‌ای به مبلغ هزار و چهارصد ریال دریافت دارد. برای اسنادی در این ارتباط می توان به این کتاب مراجعه کرد: اسنادی از مطبوعات ایران و دولت کودتا (۱۳۳۴-۱۳۳۲ هـ.ش)، سند شماره ۳۵/۴ و ۳۵/۷، ۶۱-۶۳.
- ۱۰- انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ج اول، سند نمره ۱۵۰۲، ص ۴۴.